

[تعریف مفهوم 1](#_Toc87114930)

[اثر نداشتن اختلاف در تعریف مفهوم 2](#_Toc87114931)

[مفهوم وصف مدلول است 2](#_Toc87114932)

[میزان بحث از مفاهیم از منظر آخوند 2](#_Toc87114933)

[میزان بحث از مفاهیم از منظر آغا ضیا 3](#_Toc87114934)

[میزان بحث از مفاهیم از منظر مرحوم صدر 3](#_Toc87114935)

[مختار استاد 4](#_Toc87114936)

[رد بیان آغا ضیا 4](#_Toc87114937)

[تقریر موضوع بحث در مفاهیم از منظر آغا ضیا 4](#_Toc87114938)

[خلاف ارتکاز بودن بیان آغا ضیا 5](#_Toc87114939)

[موافقت استاد با مرحوم آخوند 5](#_Toc87114940)

[تنافی نداشتن خصوصیت داشتن قید و علت منحصره نبودن آن 5](#_Toc87114941)

[خلاصه مبحث: دو مطلب 6](#_Toc87114942)

[مطلب اول 6](#_Toc87114943)

[مطلب دوم 7](#_Toc87114944)

**موضوع**: بررسی کلمات /تعریف مفهوم /مفاهیم

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مورد تعریف مفهوم بود. در جلسه قبل دو اشکال مرحوم صدر بر تعریف مرحوم آخوند مطرح شد و به بررسی آنها پرداخته شد.

# تعریف مفهوم

بحث در مورد تعریف مفهوم تمام شد. گفته شد: فرمایش مرحوم آخوند که فرمود: مفهوم عبارت است از حکم انشائی یا اخباری که تستتبعه خصوصیه المعنی، بهترین تعریف برای مفهوم است و گفتیم این که دال آن خصوصیت معنا چه چیزی است، عرض عریضی دارد. گاهی اوقات نحوه تکلم و گاهی اوقات چینش الفاظ مثل تقدیم ما حقه تاخیر، به خصوصیت معنا که حصر است می­رسیم و حصر هم مفهوم دارد. نقض ها را هم جواب دادیم و تمام شد.

## اثر نداشتن اختلاف در تعریف مفهوم

گفتیم: این بحث اثری ندارد؛ چرا که معنای اصطلاحی مراد است و اشاره به همان مواردی است که مفهوم دارند. این گونه نیست که در موردی اختلاف باشد و ما مفهوم را این گونه معنا کنیم، در این مورد مفهوم محقق می­شود و اگر به گونه دیگری معنا کنیم مفهوم نیست؛ لذا یک بحثی است که در تعارض منطوق و مفهوم، بعضی می­گویند منطوق دلالت اقوی دارد و مقدم بر مفهوم است. این مطلب درست هم باشد؛ ثمره بحث نیست. مراد از مفهوم اشاره به مصادیق است. این مصادیق است که ذو الاثر هستند.

## مفهوم وصف مدلول است

آخوند فرموده است: اشبه این است که مفهوم وصف مدلول است؛ یعنی مدلول است که گاهی مستتبِع است که منطوق نام دارد و گاهی مستتبَع است که مفهوم نام دارد. اگر گفتند دلالت مفهومیه، صفت به حال متعلق موصوف است؛ یعنی دلالت بر معنایی که آن معنا مفهوم است نه اینکه خود دلالت مفهوم باشد. اصلا درست این است که مفهوم و منطوق دو صفت مدلول هستند و بحث اشبهیت مطرح نیست.

## میزان بحث از مفاهیم از منظر آخوند

مرحوم آخوند میزان بحث را برای ما روشن می­کند. ما در مفاهیم دنبال چه چیزی هستیم و از چه چیزی بحث می­کنیم؟ ایشان که مفهوم را خصوصیت معنا تعریف کرد، می­گوید نزاع این است که کلام دال بر آن خصوصیت هست یا نه؟ اگر از شرط بحث می­کنیم مراد این است که قضیه شرطیه دالی دارد بر آن خصوصیت معنا که مستتبع مفهوم بشود تا مفهوم داشته باشد؟ کلام مفهوم دارد یعنی دال بر آن خصوصیت را دارد؟ تمام بحث این است.

در تنبیه اول هم گفته است: بحث مفاهیم در جایی است که عقد الحمل، سنخ حکم باشد، نه شخص حکم. این مطلب را مفروغ عنه گرفته است. اگر بنا باشد محمول، شخص حکم باشد، انتفاء شخص با شخص شرط، قهری است. مفهوم، اخبار و انشاء شارع است. یک چیزی را علاوه بر منطوق است و باید جای گفتن داشته باشد. اگر گفت: اکرم زیدا، اگر زید نبود همین وجوب شخصی اکرام منتفی می­شود؛ چرا که وجوب اکرام برای این شخص جعل شد. انتفای شخص حکم عند انتفای بعضی از خصوصیات متعلق یا موضوع، عقلی و قهری است. محل بحث این است: اگر زید منتفی شد وجوب اکرام کلی، منتفی است یا نه؟ و الا معلوم است که شخص حکم منتفی است. اگر گفته شود لقب مفهوم دارد یعنی وقتی که زید منتفی می­شود، فرد دیگری از وجوب اکرام برای عمر نیست.

پس مرحوم آخوند بحث را منحصر کرده است در عقد الوضع قضیه. رکن رکین مفهوم داشتن یک چیزی است: آیا ماخوذ در قضیه ما دال بر آن خصوصیت مستتبعه هست یا نه؟ ما از مصادیق بحث می­کنیم که هر کدام از موارد چنین دالی وجود دارد یا نه؟ اگر آن کلام دالی داشته مفهوم دار دو الا فلا.

## میزان بحث از مفاهیم از منظر آغا ضیا

مرحوم آغا ضیا عکس مطلب را گفته است. ایشان مدعی است: اصلا عقد الوضع در جمله­هایی که ما بحث می­کنیم، محل کلام نیست. در این که عقد الوضع ظهور در دخالت داشتن خصوصیات ماخوذه دارد، جای بحث نیست. همه می­گویند اگر در موضوعی، خصوصیتی اخذ شد، دخالت در حکم دارد. این که دخیل جامع باشد و خصوصیات مرآت باشند، خلاف ظاهر است. مثلا وقتی که گفت: اکرم عالما، علم خصوصیت دارد. اینکه مرآت باشد برای انسان و جامع، خلاف ظاهر است. یا این که اهمال و اجمال داشته باشد، خلاف ظاهر است.

ایشان مدعی است: این که مثلا جمله شرطیه ظهور دارد که خصوص شرطش دخالت در وجوب اکرام دارد، جای بحث ندارد. عقد الوضع که مسلم است. چیزی که محل بحث است، عقد الحمل است. ما در قضایایی که محل بحث است مثل قضیه شرطیه دنبال این هستیم که آیا محمول مهمل است یا ظهور درسنخ الحکم دارد؟ لذا اگر محمول شخص الحکم باشد همه قائل به عدم مفهوم هستند.

مثلا مرحوم آغا ضیا می­گوید: جناب آخوند ان جائک زید فاکرمه، ظاهرش این است: خصوص مجیئ زید دخالت دارد و فایده ندارد که بگوییم جمله شرطیه دلالت بر خصوصیت دارد یا نه؟ بحث ما در این است که آیا ظاهر محمول وجوب اکرام مهمل است و طبیعت وجوب اکرام است یا وجوب اکرام مطلق است.

## میزان بحث از مفاهیم از منظر مرحوم صدر

مرحوم صدر فرموده است: دو رکن محل بحث است. رکن اول همان خصوصیتی که مرحوم آخوند گفت با این تفاوت که خصوصیت را ایشان ربط معنا کرد. بحث این است: آیا این ربط دلالت بر خصوصیت معنا دارد یا نه؟ رکن دوم این است که جزاء در جمله شرطیه یا محمول در جمله وصفیه آیا سنخ الحکم است یا شخص الحکم؟ ما باید دو رکن را بحث کنیم.

## مختار استاد

به نظر ما عقد الحمل منشا مفهوم باشد، خلاف ارتکاز است. مفهوم را چه چیزی می­آورد، آیا عقد الوضع یا عقد الحمل یا هر دو می­آورد؟ به نظر ما فرمایش مرحوم آخوند درست است. ایشان فرمود: اساس مفهوم همان خصوصیت معنا است. آیا جمله دلالت بر خصوصیت معنا دارد یا نه؟ این که محمول سنخ الحکم باشد یا شخص الحکم باشد، به نظر ما دخل در مفهوم ندارد. هر چند که مرحوم آخوند در تنبیه اول فروده است مفروض سنخ الحکم است ولی به ذهن می­آید که مفهوم را منوط به آن نمی­کند و رکن مفهوم نمی­داند. اگر هم رکن مفهوم بداند، می­گوییم حرف نادرستی است. شیخ انصاری از کسانی است که محمول را شخص الحکم می­داند؛ ولی در عین حال می­گوید مفهوم دارد.

### رد بیان آغا ضیا

محمول سنخ الحکم باشد یا شخص الحکم، دخالتی در ثبوت مفهوم ندارد. اصلا مشهور ظاهرا این گونه می­گویند: موضوع له در جمله شرطیه یک حکم جزئی است. مُنشا یک حکم جزئی است. با این که جزئی می­دانند باز هم می­گویند مفهوم هست. شیخ می­گوید: مفهوم از این تعلیق آمده است هر چند که شخص حکم را معلق می­کند؛ ولی همین معلق کردن می­گوید در غیر این حالت این حکم نیست و الا چرا آن را معلق کرده است؟ پس اگر زید نیامد وجوب اکرام ندارد.

این که مرحوم آغا ضیا فرموده است: همه چیز منوط به این است که محمول سنخ حکم باشد یا شخص حکم، درست نیست.

### تقریر موضوع بحث در مفاهیم از منظر آغا ضیا

ممکن است از آغا ضیا سوال شود چگونه شما از سنخ الحکم به مفهوم می­رسید؟ شما که موضوع را رها کردید، ایشان گفته است: سنخ حکم به معنای طبیعی حکم است و این طبیعی حکم اطلاق دارد و جمیع حالات را شامل می­شود.

ان جائک زید وجب اکرامه، این وجوب اکرام طبیعی حکم است و اطلاق دارد. متکلم می­گوید: من حکم را در جمیع حالات، نیامدن زید و نامه فرستادن و پدرش بیاید..... معلق بر مجیئ زید کردم. اگر وجوب اکرام در جمیع حالات معلق بر مجیئ کرده است؛ پس معلوم می­شود که اگر نامه بفرستد وجوب اکرام ندارد؛ چرا که نامه فرستادن یک وجوب، پدرش بیاید یک وجوب دیگر..... همه این وجوب ها در حال مجیئ است و اگر مجیئ نباشد، وجوب منتفی می­شود. تعلیق همه وجوب ها بر مجیئ لازمه آن انتفای همه آنها در فرض انتفای مجیئ است.

ظاهر منطوق این است که وجوب در یک حالت معلق شده است، وقتی که اطلاق دارد معنایش این است که همه وجوب ها را معلق کرده­ام. پس وقتی که مجیئ منتفی شد همه وجوب ها منتفی می­شود. دقت کنید: حالا که بحث می­شود مفهوم دارد یا نه، یعنی شک داریم که این سنخ الحکم مطلق است و حکم فی جمیع الحالات را معلق کرده است یا وجوب مهملی را معلق کرده است به گونه ای که اگر مجیئ نبود ممکن است وجوب در حالت دیگری باشد؟ پس بحث در مفاهیم در مورد عقد الحمل است. آیا سنخ الحکم مطلق است یا مهمل؟ مرحوم آغا ضیا این گونه سنخ الحکم را تقریب کرده است.

#### خلاف ارتکاز بودن بیان آغا ضیا

به نظر ما این مطلب خلاف ارتکاز است. ان جائک زید فاکرمه، اگر مفهوم داشته باشد، ریشه مفهومش این مطلبی که مرحوم آغا ضیا می­گوید نیست. این معنای دقیقی که تفهمیش هم سخت است، نیست. اگر مفهوم داشته باشد، منشا آن همین اگر است. همین خصوصیت موضوع است. همین تعلیقی که وجود دارد.

این که گفته شود ان جائک زید فاکرمه، مفهوم دارد به خاطر این که محمول آن اطلاق دارد، خلاف ارتکاز است. بلکه به خاطر تعلیق و اگری بودن است.

این دو روش فرق می­کنند. مثل مرحوم آخوند سراغ ان شرطیه می­رود؛ ولی مرحوم آغا می­گوید باید متمرکز بر محمول بشویم که آیا حکم در جمیع حالات را می­گوید یا حکم مهمل را معلق کرده است؟

#### موافقت استاد با مرحوم آخوند

به نظر ما از اطلاق محمول به مفهوم نمی­رسیم. حتی گفتیم اگر شخصی هم باشد، مفهوم دارد. پس ریشه مفهوم چیست؟ به نظر ما همان فرمایش مرحوم آخوند صحیح است. ریشه مفهوم این است: آیا این کلام مفهِم یک خصوصیتی در ناحیه موضوع هست؟ محمول که فرقی نمی­کند. ان جائک زید فاکرمه، در فاکرمه اختلاف نیست و همه آن را یک جور معنا می­کنند. مهم این است که آیا إن یا هیئت جمله شرطیه یا مقدمات حکمت، دلالت بر خصوصیت در ناحیه موضوع می­کند یا نه؟

#### تنافی نداشتن خصوصیت داشتن قید و علت منحصره نبودن آن

این مرحوم آغا ضیا فرمود: موضوع مفروغ عنه است که دخالت دارد، درست است و ظاهر کلام دخالت است. ان جائک فاکرمه ظاهرش این است که خصوص مجیئ دخالت دارد؛ ولی مجرد دخالت داشتن خصوص مجیئ منافاتی با مفهوم نداشتن ندارد.

مقرر این اشکال را دارد. ظاهرا این مطلب از مقرر است که خود مرحوم بروجردی به حرف استاد اشکال می­کند و حرف آغا ضیا نیست. متعارف بوده است که در تقریرات، خود مقرر بگوید: اقول، حرف استاد این گونه مناقشه ای دارد.

مرحوم بروجردی می­گوید: ان جائک زید دخالت در وجوب اکرام دارد. خوب دخالت داشتن که انتفا عند الانتفا را ثابت نمی­کند. مجیئ زید دخالت در کلی وجوب اکرام دارد و اشکالی ندارد که علت دیگری هم باشد دخالت در حکم داشته باشد.

در حقیقت برای مفهوم داشتن باید موضوع علت تامه و علت منحصره باشد. انحصار خیلی مهم است. چه اشکالی دارد که در ان جائک زید، مجیئ دخالت در وجوب داشته باشد و نامه فرستادن هم به عنوان خصوص نامه فرستادن هم دخالت در وجوب اکرام داشته باشد، نه نامه فرستادن به عنوان جامع. اگر خودش بیاید اکرام خوبی می­شود و اگر نامه بفرستد یک اکرامی دارد و پاکت او خالی برگردانده نمی­شود. حرف مرحوم آخوند این است که این قضایا دلالت بر انحصار ندارد.

مرحوم آغا ضیا توجه دارد که باید علت منحصره باشد و این که می­گوید ظهور در خصوصیت دارد؛ یعنی انحصار؛ اما جوابش این است که دخالت داشتن برای مفهوم داشتن کافی نیست؛ بلکه باید به صورت منحصره باشد.

دقت بفرمایید: مطلبی که ما در کلام مرحوم آغا ضیا نتوانستیم بفهمیم این است: ایشان مدعی است: ظاهر مثلا جمله شرطیه این است که شرط دخالت و خصوصیت دارد پس جا ندارد که بحث در عقد الوضع کنیم. ما می­گوییم جا دارد بحث کنیم که آیا این خصوصیت منحصره هست یا نه؟

آغا ضیا می­گوید اگر قرار باشد دو شرط داشته باشد پس شرط خصوصیت ندارد و شرط جامع است و خلاف ظاهر است؛ پس معلوم می­شود که جامع شرط نیست. ما می­گوییم ممکن است شرط خصوصیت داشته باشد و بدیل هم داشته باشد. پس عقد الوضع جای بحث دارد. همین مطلب را باید توجه داشته باشد.

### خلاصه مبحث: دو مطلب

#### مطلب اول

ما می­گوییم عقد الوضع جای بحث دارد و فرمایش شما را قبول داریم که ظاهر عقد الوضع این است که خصوصیت دارد؛ اما این که منحصره هست یا نه، جای بحث دارد. مرحوم آخوند هم تلاش می­کند به نیابت از قائل به مفهوم این منحصر بودن را اثبات کند.

#### مطلب دوم

این که مفهوم منوط به اطلاق محمول باشد، ما می­گوییم این مطلب خلاف ارتکاز است. از این که ما از اطلاق محمول به مفهوم برسیم، خلاف ارتکاز است. لذا ما در روش بحث همین فرمایش مرحوم آخوند را اخذ می­کنیم.

مرحوم آخوند فرمود: مفهوم لازمه خصوصیت معنا است. آن خصوصیتی که از لفظ اراده شده است. بعد فرموده است: نزاع این است که آیا قضایا دلالت بر آن خصوصیت دارد یا نه؟ آن خصوصیت هم در ناحیه عقد الوضع است. این که مرحوم آغا ضیا می­گوید: رکن رکین مفهوم عقد الحمل است، ناتمام است و این که مرحوم صدر می­گویم دو رکن نیاز داریم هم درست نیست و سنخ الحکم اصلا رکن مفهوم نیست. هر چند که متاخرین آن را مفروغ عنه گرفته­اند ولی رکن نیست شخص حکم هم اگر مراد باشد باز هم جای قول به مفهوم هست.

ادامه بحث در جلسه آینده.